

نومه اول پولس رسول به قُرنتيون

کووکش، خداوند آمون عیسی مسیح، دعوت کورده.

۱ آ پولس، که به خاس خدا دعوت بیسه تا رسول عیسی مسیح بووه و آ برارمون

سوسینس،

تفرقه م کلیسا

۱۰ ای برارون، به نوم خداوند آمون عیسی مسیح آ شُمون تمنا دارم که پی یک موافق بایه و پِن شُمون تفرقه نبووه، بلکه گلتن م فکرا و هدفاتون پی یک متحد بووه. ۱۱ سی یانکه ای برارون مو، آل خونه خلوئه به مو خبر دانه که پِنِتون خلی بحث هی. ۱۲ منظور یان که یکه آ شُمون بگووه، «مو آ پولس پِروی بکنم»؛ و یکه دِگه بگووه، «مو آ پولس پِروی بکنم»؛ یکه بگووه، «مو پرو پِطرسُم»؛ و یکه دِگه بگووه، که «مو پرو مسیح هِسُم».

۱۳ مَر مسیح تقسیم بیسه؟ مَر پولس بید که سی شُمون به صلیب گشیده بیس؟ و مَر شُمون به نوم پولس تعمید گروفتیه؟ ۱۴ خدان شکر کُنم که غِر آ کریسپوس و گایوس، هیچ کو آ شُمون تعمید ندام، ۱۵ تا گِسه نترسه بووه گووه به نوم مو تعمید گروفتیه. ۱۶ البته خونواده استیفاناس آم تعمید دام؛ اما به یاد ندارم گِسه دِگنه تعمید دایه بووم. ۱۷ سی یانکه مسیح مون نفرسید تا تعمید دوهام بلکه تا خبر خووش رسونم، اما نه پی حکمت

۲ به کلیسا خدا م شَر قُرنتس، هُنونه که م مسیح عیسی تقدیس و دعوت بیسه تا قوم مقدس خدا بوون، پی کُل هُنون که هر جا دِگه نوم خداوندمون عیسی مسیح بخونن، که خداوند آمون و خداوند هُنون: ۳ فیض و سلومتی آ طرف خدا، بووه آمون و خداوند عیسی مسیح پی شُمون با.

شکرگزاری

۴ مو هی خدا خومه سی دل شُمون و او فیض خدا که م مسیح عیسی به شُمون بخشیده بیسه، شکر کُنم. ۵ سی یانکه شُمون م مسیح آ هر جهت غنی بیسته، م هر نوع بیان و هر گونه معروفیت، ۶ اوطو که شوهادت آمون درباره مسیح پِن شُمون به اثبات رسیده. ۷ طوره که شُمون آ هیچ عطایه بی نصیب نیسه، در حاله که سی ورگشتن خداوند آمون عیسی مسیح انتظار بگشه. ۸ او ایمون شُمون تا آخر محکم نگه بدازه، تا م روز ظهور خداوندمون عیسی مسیح مبرا آ هر گنا و خطا بووه. ۹ امیته خدایه که شُمون سی دوسی پی

انتخاب کورد تا حکیمون خجالت زیه گُنه؛ و هر چیه که دنیا ضعیف شُمازه، انتخاب کورد تا قدرتمندون شَرمونده گُنه؛ ۲۸ خدا او چیه که ای دنیا پست و حقیر دونه، حتی اوچیاپیه که نِسن، انتخاب کورد تا هستیانِ باطل گُنه. ۲۹ تا هیچ بشره در حضور او فخر نِگُنه. ۳۰ سی دل اووه که شُمون مِ مسیح عیسی هِسه، که آ جانوب خدا سی اُمون حکمت بیسه، بعینه صالحی، قدوسیت و رهویی اُمون. ۳۱ تا اوطو که مِ کتاب اِرمیا نبی نوشته بیسه: «هر ک که فخر بَگُنه، به خداوند فخر گُنه.»

موعظه پولس و حکمت دنیوی

۲ ای برارون، مو آم وختی که پیش شُمون اوَمَم، پی فصاحت و حکمت بشری نِ اوَمَم، اوسون که راز خدانَ به شُمون اعلام بکوردُم. ۲ سی یانکه عزمَم جزم کوردُم بید پِن شُمون چی غِر آ عیسی مسیح، وان آم عیسای مصلوب ندونسه بووم. ۳ مو پی ضعف و پی ترس و لرز زیاد پیش شُمون اوَمَم ۴ و پیوم و موعظه مو پی قِصا قانع گُنده حکیمونه گُفته نبیس، بلکه پی روح القدس و قدرتش به شُمون نشون دایه بیس، ۵ تا ایمون شُمون پی حکمت بشری نبووه، بلکه مبناش قدرت خدا بووه.

حکمت پنهون خدا

۶ اما پی گُل هِنون که گُفتم، اُمون پِن ایموندارون بالغ حکمت خدانَ اعلام گُنم، اما نه حکمته که به ای دنیا یا حاگُمون ای دنیا تعلق داشته بووه که محکوم به نابودین، ۷ بلکه حکمت خدانَ اعلام گُنم که مِ رازه پنهون بید و خدا وان پِش آ آفرینش دنیا، سی جلال اُمون مقرر فرمود. ۸ اما هیچ کو آ حاگُمون ای دنیا ای حکمت درک نکوردن، سی

سخنوری، مبدا قدرت صلیب مسیح بی اثر بووه.

پیوم صلیب و حکمت دنیوی

۱۸ سی یانکه پیوم صلیب سی هُنون که هلاک بوون جهالته، اما سی اُمون که نجات پِدا بَگُنم قدرت خداس. ۱۹ سی یانکه مِ کتاب اِشعیا نبی نوشته بیسه:

«حکمت حکیمون نابود بَگُنم

و عقل عاقلون باطل بَگُنم.»

۲۰ به یقین، حکیم کجاس؟ عالم دین کجاس؟ فیلسوف ای دنیا کجاس؟ مَر خدا حکمت دنیانَ جهالت نکورده؟ ۲۱ سی یانکه بنا بر حکمت خدا، دنیا نترس پی حکمت خودش خدانَ اِشناسه، خدا ایطو مصلحت دید که پی حماقته که مِ قِصا اُمون هی، گسونیه که ایمون میارن، نجات دهه. ۲۲ سی یانکه یهودیون معجزه مَخَن و یونانیون دُما حکمتن، ۲۳ اما اُمون مسیح مصلوب و عِظ بَگُنم که سی یهودیون سِنِگ لغزشه و سی غریهودیون جهالت، ۲۴ اما سی گسونه که دعوت کورده، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و حکمت خداس. ۲۵ سی یانکه ای نقشه نجات خدا که آ نظر بعضیا پوچ و بی معنیه آ حکمت انسان حکیمونه تَره و ای نقشه نجات که آ نظر بعضیه دِگه نشونه ضعف خداس آ قدرت انسان قویتره.

ایماندارون قُرنَتس و حکمت دنیوی

۲۶ ای برارون، وضع خوتونه، او زمونه که خدا شُمون دعوت کورد، به یاد بیاره. بیشترتون پی عیار بشری، حکیم به حساب نَم اومه و بیشترتون قدرتمند یا اشروفی نبیده. ۲۷ اما خدا او چیه که دنیا جهالت دونه،

يانکه آر وانَ درک کوردن بید، خداوند جلال به صلیب نَم کشیدن. ۹ هَموِطو که مِ کتاب اِشعیا اومسَه:

«او چیه که هیچ تیه ندیده،

هیچ گوشه نشنفته،

و به هیچ فکره نرسیده،

خدا سی دوسدارون خودش مهیا کورده. ۱۰ اما خدا وانَ توسط روح خودش وَر اُمون آشکار کورده، سی یانکه روح همه چی، حتی اعماق خدانَ آمَ کُلمجو بگَنه. ۱۱ سی یانکه کیه که آفکرا آدم آگا بووه، غِر آ روح خود او که مِ وجود اووه هَمیِطو آم، تِنَا روح خداس که آفکرا خدا آگاهه. ۱۲ اُمون نه روح ای دنیا، بلکه روحی دریافت کوردمه که آ خداس تا او چیه که خدا به اُمون عطا کورده، اِشناسیم. ۱۳ و آ یان قِصه بگَنم، وان آم نه پی کِلمايه که آ حکمت بشری بووه، بلکه پی کِلمايه که روح به اُمون ب اُموژه؛ و اِبطو حَققتا روحانی پی کِلما روحانی اعلام کُیم. ۱۴ انسان نفسانی امور مربوط به روح خدانَ قبول نَم گَنه سی یانکه به نظرش جهالت حساب بووه و نتره درکشون گَنه، سی یانکه قضاوت دُرس دربارِه هُنون تِنَا آ دیدگا روحانی ممکن. ۱۵ شخص روحانی دربارِه همه چی قضاوت گَنه، اما هیچ کَ نتره دربارِه او قضاوت گَنه.

۱۶ «سی یانکه کیه که فکر خداوند

دونسه بووه

تا به او مشورت دَهه؟»

اما اُمون فکر مسیح دارم.

حکمت دنیوی و نگرش نادرِس به رسولون

۳ ای برارون شُمون دونه، مو نترِسُم پتون لِف اشخاص روحانی قِصه بگَنم بلکه لِف اشخاص نفسانی قِصه بگَنم، یعنِه لِف کِسونه

که مِ مسیح، بچه تازه به دنیا اومیه هِسَن. ۲ مو به شُمون شیر دام نه گوشت، سی یانکه آمادگی خوردن وانَ نداشته و هنی آم ندارِه، ۳ چو هنی نفسانی هِسه. وختی پِنتون حسیدی و بحث هی، آیا نشونه یان نی که نفسانی هِسه و لِف آدمون بی ایمون رفتار گَنه؟ ۴ سی یانکه وختی یکه بگووه: «مو آ پولس پُروی بگَنم»، و یکه دِگه بگووه: «مو پُرو آپولس هِسَم»، آیا لِف آدمون بی ایمون نیسه؟

۵ مَر آپولس کیه؟ پولس کیه؟ هُنون تِنَا خادومونه هِسَن که خدا به هر کونشون وظیفه سُبوره تا شُمون به واسطه هُنون ایمون آره. ۶ مو بذَر کاشتم و آپولس وانَ اُو دا، اما خدا بید که باعث رشد وان بیس. ۷ پ نه کارنده گسِته و نه وانکه اُو بدَهش، بلکه تِنَا خدا که باعث رشد بیووه. ۸ وانکه بکاره و وانکه اُو بدَهه، هر دون یکه هِسَن و هر کونشون به اندازه زحمتِه که بگَشَن، پاداش بگِرَن. ۹ اُمون تِنَا همکارونه متعلق به خدا هِسیم و شُمون مزرعه و ساختمونه متعلق به خدایِه. ۱۰ پی فِضه که خدا به مو بخشیده، لِف معمارِه کار گُشته پاکار رختُم و یکه دِگه سَر او پاکار، ساختمون بسازِه. اما هر کَ وا دلش دَهه که چطو بسازِه. ۱۱ سی یانکه هیچ کَ نتره غِر آ او پاکار که رختِه بیسه، پاکاره دِگه رَزِه و او پاکار هَمو خود عیسی مسیح. ۱۲ آر گِسه سَر ای پاکار ساختمونه آ طِلا یا نقره یا سِنگا گرون یا چو یا علوف یا گه سازِه، ۱۳ کار هر کَ معلوم بدَهه، سی یانکه 'روز قضاوت' همه چیه ظاهر بگَنه. چو تَش نتیجه کار معلوم کورده، کیفیت کار هر گسه امتحون بگَنه. ۱۴ آر کارِه که گِسه سَر او پاکار بنا کورده بوقی مَنه، پاداش بگِرِه. ۱۵ اما آر کار گِسه سوزِه، ضرر بگَنه؛ و هر چَن خودش نجات پدا بگَنه،

معلوم بځنه و نيټا دلاڼ علنی بځنه. اوسون هر ک تعریف و تمجید خوشه آ خدا بځره.

۱۶ ای برارون، مو ای تعلیمان سی دل شُمون دربارِه خوډم و آپولس دام تا شُمون آ اُمون معنی ای قِصَّنه اُوموزه که: «آ او چی که م کتابا نوشته بیسه، جلوتر نرووه.» تا هیچ کونتون به یکه نوها یکه دِگه فخر نځنه. ۱۷ سی یانکه چه گسه شُمون آ بقیته متفاوت کورده؟ چه داره که به شُمون بخشیده نبیسه بووه؟ و آر به شُمون بخشیده بیسه، پ آچه اوطو فخر گڼه که مری ایطو نی؟

۱۸ مری شُمون هَمی ایسون به هر چی مَخاسِه، رَسیدیه! مری هَمی ایسون دولتمند بیسه! و پادشوهی بځنه، وان آم پی اُمون! و کاشیکه اُوسی پادشوهی بکورده تا اُمون آم پی شُمون پادشوهی بکوردم! ۱۹ سی یانکه مو م ای فکرُم که خدا اُمون رسولون لِیف ایسرون محکوم به مرگ ته صف رژه روندون به نمایش وَنده. کُل دنیا اُمون سیل بځن، چه آدمون و چه ملاکون. ۱۰ وفادوری اُمون به مسیح باعث ببووه که اُمون احمق به نظر رَسَم، اما شُمون ادعا بځیه که م مسیح خلی حکیمه! اُمون ضعیفم، اما شُمون قوی هسه! اُمون خوار و حقیرم، اما شُمون محترمه! ۱۱ اُمون تا هَمی ایسون گسَنه و ئشَنه هِسَم و جومامون کونن. آزار ببینم و آوارم. ۱۲ پی زحمت خومون خرجمون بدارم. وختی لعنتمون گُڼن، برکت سیشون طلب بځنم؛ و وختی آزار ببینم، تحمل بځنم؛ ۱۳ وختی دشمون بدینمون، پی مزیونی جوواب بدیم. تا هَمی ایسون، اُمون لِیف تَفالِه دنیا و زیالِه همه چی تبدیل بیسه.

۱۴ یان تَم نوسُم تا شُمون شَرمنده گُڼم، بلکه سی دل یانکه لِیف بچون عزیزم هشدار دوهامتون. ۱۵ سی یانکه آر حتی م مسیح هزار

اما لِیف گسه ببووه که آ پِن گُځرا تَش جون سالم پَدَر بورده بووه.

۱۶ آیا ندونه که معبد خدا هسه و روح خدا م وجود شُمون ساکنه؟ ۱۷ آر گسه معبد خدان خراب گُڼه، خدا اووه هلاک بځنه؛ سی یانکه معبد خدا مقدسه و شُمون او معبد هسه.

۱۸ خوتونه گول مَزنه. آر گسه آ شُمون خوشه پی معیارا ای دنیا حکیم دونه، سی یانکه اُوسی حکیم بووه، وا جاهل بووه. ۱۹ سی یانکه حکمت ای دنیا آ نظر خدا جهالته. هَموطو که م کتاب ایوب نوشته بیسه: «حکیمون پی ترفند خوشون گروفتار بځنه.» ۲۰ و آندو نوشته بیسه: «خداوند آ فکر حکیمون آگاهه و دونه که فکر حکیمون باطلن.» ۲۱ پ نوا گسه به آدمون فخر گُڼه. سی یانکه همه چی متعلق به شُمون، ۲۲ چه پولس، چه آپولس، چه پطرس، چه دنیا، چه زندگی، چه مرگ، چه زمون حال و چه زمون آینده، گُڼشون مال شُمون ۲۳ و شُمون مال مسیحِه و مسیح مال خداس.

سیل کوردن دُرس به رسولون

۴ پ کُل وا به اُمون به تیه خادومون مسیح و مباشرونه سیل گُڼن که اسرار الوهی به هُنون به اُمونت سُپورده بیسه. ۲ و ایسون انتظارِه که آ مباشر هی یان که امین بووه. ۳ اما سی مو قضاوت شُمون یا قضاوت هر دادگا که آ طرف آدمون بووه دِگه خلی مهم نی. مو حتی خوډم آم دربارِه خوډم قضاوت تَم گُڼم. ۴ سی یانکه مو م خوډم عیه تَم ببینم، اما یان مون بی گُنا تَم گُڼه. بلکه خداوند که دربارِه مو قضاوت بځنه. ۵ پ دربارِه هیچ چی پش آ وختش قضاوت نځنه تا یانکه خداوند آیه. او اوچیه که ایسون م توریکی پنهونه، م روشنوی

به شُطون سُپاره تا پي نابودي نفس گُناکار، روح م روز خداوند عیسی نجات پدا کُنه.

^۶ افتخار کوردن شُمون اصلاً دُرس نی. آیا ندونه که کمه خمیرمایه تَره گل خمیر وَر آرَه؟ ^۷ پ خوتونه آ خمیرمایه کونه پاک کُنه تا خمیر تازه بووه، اوطو که آروسی آم پی خمیرمایه هِسِه. سی یانکه مسیح، بره پَسَخ اُمون، قریونی بیسه. ^۸ پ بیایه عِد نه پی خمیرمایه کونه، یعنه خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه پی نون بی خمیرمایه صداقت و رُوسی بر پا کُیم.

^۹ م نومه قبلیم، سیتون نوشتُم که پی بی عفتون معاشرت مکنه. ^{۱۰} اما منظورُم آته یان نبید که پی بی عفتون ای دنیا یا پی هُنون که طمع کُین یا حيله گرون یا بت پرستون معاشرت نکُنه، سی یانکه اوطو واسِکه تارک دنیا بووه. ^{۱۱} اما ایسون سی شُمون بنوَسُم که پی گسه که خوشه برارتون بخونه، اما بی عفت، یا طمعو، یا بت پرست، یا دشمنون ده یا شرابخور یا حيله دازه، معاشرت نکُنه و پی ایطو گسه حتی سَر یه سفره آم منشینِه.

^{۱۲} سی یانکه مو چکارَم که درباره مردم در آ کلیسا قضاوت کُیم. اما آیا قضاوت درباره هُنون که م کلیسان، بر عهده شُمون نی؟ ^{۱۳} خدا خودش درباره مردم در آ کلیسا قضاوت بکُنه. پ «او بدکار آ ین خوتون پهبش در.»

اختلاف ین مومنون

۶ هر وخت گسه آ شُمون آ گسه دِگه شکایتِه دازه، چطو جرأت بکُنه که وان پپش مقدسین نَبَره، بلکه وان م محکمه گُناکارون بَره؟ ^۲ مَر ندونه که مقدسین دنیان قضاوت بکُین؟ پ شُمون که قرازه دنیان قضاوت کُنه، چطو نَبَره سی مسئلا خلی

تا معلم داشته بووه، اما بوون زیادِه نداره، سی یانکه مو به واسطه انجیل م مسیح عیسی بووه شُمون بیسُم. ^{۱۶} پ آرتون تمنا دازُم آ مو سرمشق گیره. ^{۱۷} سی هَمی یان تیموتائوس پبشتون فرسَنیدُم، اووه که م خداوند فرزند محبوب و امین مون. او روش زندی مون که م مسیح عیسی آموختمه به یاد شُمون میاره، هَموِطو که مو وان م گل کلیساها م هر جا تعلیم بدوهام.

^{۱۸} عیده آ شُمون به گمون یانکه مو دِگه پبشتون نَم میام، مغرور بیسنه. ^{۱۹} اما به خاس خدا زیتره پبشتون بمیام و نه یتا به قِصا ای آدمون مغرور گوش بدوهام، بلکه به قدرتشون آم پی بَیژُم. ^{۲۰} سی یانکه پادشوهی خدا به قِصه نی، بلکه م قدرته. ^{۲۱} کونشون ترجیح بده؟ پی چو پبشتون آیم یا پی مُحبت و روجه آروم؟

بی عفتی م کلیسا

۵ در واقع خبرِه وُرُم رَسیده که ین شُمون بی عفتی هی، وان آم اوطو که حتی ین بت پرستون آم مورد قبول نی. قَمیدمه پپایه پی زونه بووه خودش رابطه دازه. ^۲ اما هنی شُمون به روحانی بیدنتون افتخار بکُنه! آیا نواسِکه ماتم گیره و او گسپه که ای کار کورده آ ین خوتون پهبش در؟ ^۳ سی یانکه هر چن م جسم ینتون نِسُم، اما م روح پی شُمون زندی بکُیم؛ و هَمی ایسون، لِیف گسه که ین شُمون حاضرِه، حکم خومه در مورد او گسه که ای کار کورده، به نوم خداوندمون عیسی مسیح صادر کوردمه. ^۴ وختی شُمون پی یک جمع ببووه و مو م روح ین شُمون هِسُم، پی حضور قدرت خداوندمون عیسی، ^۵ ای پیان

هم خداوندمون عیسی مسیح زنده کورد و هم اُمون زنده بکنه. ^{۱۵} مَر ندونه که بدناتون اعضا مسیحن؟ آیا اعضا مسیح گِرم و هُنون اعضا فاحشه گُئم؟ اصلا! ^{۱۶} مَر ندونه گِسه که پی فاحشه بیونده، پی او یه تن ببوه؟ سی یانکه نوشته بیسه: «دو تاشون یه تن ببوون.» ^{۱۷} اما وانکه پی خداوند بیونده، پی او یه روح ببوه. ^{۱۸} آ بی عفتی دیری گُنه! هر گُنا دِگه که انسان مرتکب بووه خارج آ بدن اووه، اما گِسه که مرتکب بی عفتی ببوه، نسبت به بدن خودش گُنا بکنه. ^{۱۹} مَر ندونه که بدن شُمون معبد روح القدسه که م وجود شُمون و اووه آ خدا بدس اُردیه و دِگه مال خوتون نیسه؟ ^{۲۰} پی بها زیاده خریدَه بیسیه، پ بدنا خوتونه سی جلال خدا به کار گیره.

مسئلا زناشویی

V اما درباره مسئله بی که سی مو نوشته بید: شُمون بگووه که، «بَتره پیا زونه ن اُسونه؟» ^۲ اما سی دل وسوسایه که باعث بی عفتی ببوون، بَتره هر پیا سی خودش زونه و هر زونه سی خودش مِره داشته بووه. ^۳ مِره وا وظیفه زناشویی خوشه نسبت به زونش به جا آره و زونه آم وا وظیفه زناشویی خوشه نسبت به مِرش به جا آره. ^۴ زونه وَر بدن خودش اختیاره نداره و مال مِرشه و مِره آم وَر بدن خودش اختیاره نداره و مال زونشه. ^۵ پ یکدووه آخوتون محروم نگیه، مَر هر دون روضی بووه او آم سی مدیه، تا خوتونه وقف دعا گُنه. اوسون آندو به یکدو ورگرده، مبادا شطون شُمون سی دل یانکه نتره نوها نفستون گیره به وسوسه بَته. ^۶ مو یان حکم تَم گُئم، بلکه تَنا جایز دونم. ^۷ آرزوم یان بید که گُل

کوچوک قضاوت گُنه؟ ^۳ مَر ندونه که اُمون بعدا ملاکون قضاوت بکنم؟ چه رَسه به قضاوت درباره مسئلا ای زندگی. ^۴ پ آچه وخت پش اومین ای اختلافا بین خوتون، گسونیه سی قضاوت بگماره که م کلیسا هیچ اعتباره ندارن؟ ^۵ یان بگووم تا شُمون شرمونده گُئم. آیا بین شُمون شخصه حکیم نی که ترسه بووه به اختلافا برارون رسیدگی گُنه؟ ^۶ در عوض، برار علیه برار به محکمه برووه، وان آم پیش بی ایمونون!

^۷ اصلا وجود ایطو اختلافا بی بین شُمون، خودش شکسته سی شُمون. آچه ترجیح تَم دِهه مظلوم واقع بووه؟ آچه حاضر نیسه ضرر گُنه؟ ^۸ برعکس، خوتون ظلم بکنه و به بیکه دِگه ضرر برسونه، وان آم به برارون خوتون. ^۹ مَر ندونه که ظالمون وارث پادشوهی خدا تَم ببوون؟ گول مخوره! بی عفتون، بت پرستون، زناکارون، لواط کارون - چه فاعل چه مفعول، ^{۱۰} دُزون، هُنون که طمع بکنن، شرابخورون، هُنون که دشمنون بدین و حیلَه گرون وارث پادشوهی خدا تَم ببوون. ^{۱۱} عیده آ شُمون قدیم ای کاران بکوردِه، اما م نوم عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای اُمون آ گناهاتون شُشته و تقدیس بیسیه و صالح شمارده بیسیه.

بی عفتی پی فاحشا

^{۱۲} «همه چی وَر مو جایز،» اما همه چی مفید نی. «همه چی وَر مو رواس،» اما تَم هُلم چی وَر مو مسلط بووه. ^{۱۳} «خوراک سی إشکمه و إشکم سی خوراک» اما خدا هر دون آ بین بَتره. اما بدن سی بی عفتی نی، بلکه سی خداونده و خداوند آم سی بدن، ^{۱۴} خدا پی قدرت خودش،

جانبِ خدا ختنه نَبیسه بوه، ختنه نبوه. ۱۹ سی یانکه ختنه بیسن یا نَبیسن مهم نی، بلکه مهم انجوم داین احکام خداس. ۲۰ هر ک م هر وضعه که خدا اووه انتخاب کورده بوقی مته. ۲۱ آیا زمونه که انتخاب بیسی، غلوم بیدی؟ ترسه مداشتته بات. اما آر تری آزودی خوته بدس آری، فرصت آ دس مده. ۲۲ سی یانکه غلومه که آ سمت خدا انتخاب بیسه، آزاد خداونده؛ و همیطو شخص آزاده که انتخاب بیسه، غلوم مسیح. ۲۳ پی بها زیاده خریدیه بیسیه، پ غلوم آدمون نبوه. ۲۴ پ، ای برارون، هر ک م هر وضعه که انتخاب بیسه، م همو وضع در حضور خدا بوقی مته. ۲۵ شُمون در مورد مجردون اُرم سؤال گنه، مو حکمه آ خداوند نداؤم؛ اما در مقام گسه که به واسطه رحمت خداوند قابل اعتماد، نظر خومه اعلام بگنم. ۲۶ به گمون مو سی دل سختیایه که م ای زمون دارم، سی انسان خوبه که م همو وضعه که هی، بوقی مته. ۲۷ آر زونه دوری، آزش جدا مبات و آر زونه ندوری، دُما زونه مبات. ۲۸ اما آر زونه اُسونی، گنا نکوردیه؛ و آر گسه شی گنه، گنا نکورده. اما هُنون که ازدواج بگنن، م ای زندی سختی بگشن و مو نَحْم که شُمون رنج بره. ۲۹ ای برارون، منظور یان که وخت کیمه مونده. آ ایسون به بعد، حتی هُنون که زونه دارن نوا تینا به ازدواجشون فکر گنن؛ ۳۰ و هُنون که ماتم دارن، اوطو بوون که مری ماتم ندارن؛ و هُنون که شادن، اوطو بوون که مری شاد نیسن؛ و هُنون که چی بخرن، اوطو بوون که مری مالک وان نیسن؛ ۳۱ و هُنون که آ ای دنیا سود بیرن، اوطو رفتار گنن که غرق دنیا نبوون. سی یانکه شکل ایسون ای دنیا زیتره آ ین برووه.

لِفِ مو بوون، اما هر ک عطایه خاص آ خدا دریافت کورده؛ یکه ته عطا دازه و یکه دِگه عطایه دِگه.

۸ به مجردون و هُنون که بیوه هسن بگوؤم خوبه لِفِ مو مجرد مته. ۹ اما آر نوها نفس خوشونه نترن گرن، ازدواج گنن، سی یانکه ازدواج آ سوختن م تَش هوس پتره.

۱۰ حکم مو سی هُنون که ازدواج کوردنه یان - نه حکم مو، بلکه حکم خداوند - که زونه نوا آ مرش جدا بوه. ۱۱ اما آر ایطو کورد، دِگه نوا شی گنه و یا آندو وا پی مِرِه خودش اُشتی گنه. پیا آم نوا زونشه طلاق دهه.

۱۲ به بقیه بگوؤم - مو بگوؤم نه خداوند - که آر براره زونه بیایمونه دازه و او زونه حاضره پیش زندی گنه، او برار نوا زونشه طلاق دهه. ۱۳ همیطو آر زونه مِرِه بیایمونه دازه و او پیا حاضره پیش زندی گنه، او زونه نوا آ مرش طلاق اُسونه. ۱۴ سی یانکه مِرِه بیایمون به واسطه زونش تقدیس ببوه و زونه بیایمون به واسطه مرش. آر غر آ یان بید، بچونتون ناپاک بیدن؛ اما ایطو نی، بلکه هُنون مقدسن. ۱۵ اما آر وانکه بیایمونه خاسه بوه جدا بوه، هل ایطو گنه. م ایطو شرایطه مِرِه یا زونه مومن مجبور نی پی او زندی گنه، سی یانکه خدا شُمون به صلح و اُشتی دعوت کورده. ۱۶ سی یانکه ای زونه، آ کجا دونی که باعث نجات مِرِت تم بووی؟ و تو ای مِرِه، آ کجا دونی که زونته نجات تم دهی؟

۱۷ آ، هر ک اوطو زندی گنه که خداوند سی او در نظر گروفته و خدا اووه سی وان انتخاب کورده. یان اصلیه که مو م گل کلیساها به وان حکم بگنم. ۱۸ آر گسه م زمون انتخاب بیسن آ جانبِ خدا ختنه بیسه بوه، هموطو بوقی مته؛ و آر گسه م زمون خونده بیسن آ

مسئله خوراک تقدیمی به بتا

اما درباره خوراک تقدیمی به بتا: دَوْنِم که «کُل اُمون آدمون دونایه هیس». اما دانش مایه تکبره، در حاله که مُحَبَّت، بنا بگُئِه. ^۲ وانکه گمون بگُئِه چی دَوْنِه، هَنی اوطو که وا دَوْنَسِه بووه، ندَوْنِه. ^۳ اما وانکه خدان دوس داره، پیش او شناخته شدس.

^۴ پ درباره خوردن خوراک تقدیمی به بتا، دَوْنِم که «بت چی نی،» و «الا یه خدا، خدایه دِگه نی.» ^۵ آدمون خلی آ چیا م اُسْمون و زِمین خدا یا ارباب خوشون بونگ گین اما هیچ کو آ هُنون واقعا خدا یا ارباب نِسِن. ^۶ اما اُمون تِنا یِه خدا دارم، بعینه بووه، که همه چی آ اووه و اُمون سی او زندی بگُئِم؛ و تِنا یِه خداوند دارم، بعینه عیسی مسیح، که همه چی به واسطه او به وجود اومسّه و اُمون به واسطه او زندی بگُئِم. ^۷ اما کُل ای معروفِت ندارن. سی یانکه بعضیه تا ایسون اوطو پی بتا اُنس گروفتنه که هَنی آم آ ابطو خوراکایه خورن، گمون بگُئِن او خوراک در اصل تقدیم به بتا بیسه؛ و آ اونجون که وجدانشون ضعیفه، رنج بیرن. ^۸ «خوراک، اُمون به خدا زیزیک تَم گُئِه»؛ نه پی نخوردن بتر ببووم، نه پی خوردن بتر. ^۹ اما دلتون دِهه اختیار شُمون باعث لغزش ضعیفون نبووه. ^{۱۰} سی یانکه آر گِسه که وجدانش ضعیفه، تون که درباره یان معروفِت دوری، بیته که م بتخونه نشسیه تا غذا خوری، آیا او آم راغب تَم بووه که خوراک تقدیمی به بتان خوزه؟ ^{۱۱} ابطو، معروفِت تو باعث هلاک بیسن او برار ضعیف ببووه که مسیح سی دل او مورد. ^{۱۲} وختی ابطو به برارون خوتون گُنا بگُئِه و به

^{۳۲} خاص مو یان که آ هر دل نگرونی دیر بووه. پیا مجرد نگرین کارا خداوندّه، نگرین یانکه چطو خداوند خشنود گُئِه؛ ^{۳۳} در حاله که پیا متاهل نگرین امور ای دنیاس، نگرین یانکه چطو زوئسه خشنود گُئِه، ^{۳۴} و حواسش یِه جا نی بلکه بِن خدا و زوئسه. هَمیطو، زوئِه مجرد یا باکره، نگرین امور خداوندّه، نگرین یانکه چطو م جسم و م روح، مقدس بووه؛ در حاله که زوئِه متاهل نگرین امور ای دنیاس، نگرین یانکه چطو مَرش خشنود گُئِه. ^{۳۵} مو هِنون سی نحف شُمون بگووم، نه یانکه م قید و بند و نومتون. منظورم یان که پی شایستگی زندی گُئِه و هیچ دغدغه شُمون آ سرسپوردی به خداوند نوادونه.

^{۳۶} آر کووکه م فکر یان که پی نومزد باکرش اوطو که شایسته نی عمل گُئِه و آر سن شی کوردن دختر رسیده و او کووکه ابطو فکر گُئِه که وا عروسی گُئِه، او چی که م نظر داره انجوم دَهه؛ پی ای کارش گُنا تَم گُئِه. پ هیلِه ازدواج گُئِن. ^{۳۷} اما آر کووکه م تصمیمش مصممه و م فشار نی، بلکه اختیار اراده خودش دسشه و عزم جزم کورده که فعلا پی نومزد باکرش ازدواج نگُئِه، او کووکه آم کار خوبه انجوم بدهه. ^{۳۸} پ وانکه پی نومزدش ازدواج بگُئِه، کار خوبه انجوم بدهه؛ اما وانکه ازدواج تَم گُئِه، کار بتره انجوم بدهه.

^{۳۹} زوئِه تا وختی که مَرش زندس، نوا آزش جدا بووه. اما آر مَرش مورد، آزاده تا پی هر که مَخو ازدواج گُئِه، البته تِنا پی یِه مسیحی. ^{۴۰} اما به نظر مو آر ازدواج نگُئِه، سعادتمندتر ببووه؛ و فکر بگُئِم او چی که بگووم آ جانب روح خداس!

نبوردم، بلکه به هر چی تن دایمه تا مانعه سر ره انجیل مسیح نَوَنده بووم. ^{۱۳} مر ندونه هُنون که م معبد خدمت بگین، خوراکشون آ معبد تامين ببوو و همیطو آم خادومون مذبح آ چپایه که به مذبح تقدیم ببون، نصیب بیرن؟ ^{۱۴} سی دل یان، خداوند حکم کورده که معاش واعظون انجیل، آ انجیل تامين ببوو.

^{۱۵} اما مو آ هیچ کو آ ای حقوق بره نبوردم و یان آم تم نوُسُم تا در حَقم ایطو گینه. مرگ به وان ترجیح بدوهم که گسه خاسه بووه ای فخر اُرم گزه. ^{۱۶} سی یانکه آر خبر خوَوَش انجیل دوهم سُم فخره ندازه، سی یانکه وظیفم یان که ای خدمت انجوم دوهم؛ بلکه وای بر مو آر خبر خوَوَش انجیل ندوهم! ^{۱۷} سی یانکه آر به اختیار ای کار انجوم بدام، پاداش دریافت بکوردم؛ اما خدا ای کار به مو داس پ و انجومش دوهم. ^{۱۸} در ای صورت، چه پاداشه ترم داشته بووم؟ تینا یانکه خبر خوَوَش انجیل به رایگان دوهم و آ حق خودم م وان بره نبرم.

^{۱۹} هر چن آ گل آزادُم، خومه غلوم گل کوردم تا عده بیشتره به مسیح ایمون آرن. ^{۲۰} پیش یهودیون لِف یهودیه رفتار کوردم، تا یهودیون ایمون آرن. پی هُنون که زر شریعتن لِف گسه که زر شریعته رفتار کوردم تا هُنون که زر شریعتن ایمون آرن - هر چن خودم زر شریعت نِسُم. ^{۲۱} پیش هُنون که بی شریعتن لِف شخص بی شریعته رفتار کوردم تا بی شریعتون ایمون آرن، هر چن خودم آ شریعت خدا آزاد نِسُم، بلکه مطیع شریعت مسیخُم. ^{۲۲} پی ضعیفون، ضعیف بیسُم تا ضعیفون ایمون آرن. پی هر ک لِف خودش بیدم تا هر طوریه بعضیه نجات بخشم. ^{۲۳} گل ای چپان سی دل انجیل بگنم، تا م برکتاش سمه بَرَم.

وجدان ضعیفشون صدمه برسونه، در اصل به مسیح گنا بگنه. ^{۱۳} سی همی یان، آر او چی که مو بخورم باعث لغزش برازم ببوو، تا ابد گوشت تم خورم تا باعث لغزش او نبووم.

پولس، نمونه گذشتن آ حق خودش

۹ آیا آزاد نِسُم؟ آیا رسول نِسُم؟ آیا خداوندمون عیسان ندیدُم؟ آیا شُمون ثمره کار مو م خداوند نیسه؟ ^۲ حتی آر سی گسون دگه رسول نبووم، لاقل سی شُمون که هِسُم؛ سی یانکه شُمون مُر تایید مو م خداوند هِسه.

^۳ مو نوها هُنون که درباره مو قضاوت بگین، ایطو آ خودم دفاع بگنم. ^۴ آیا حق خوردن و نوشیدن ندارم؟ ^۵ آیا حق ندارم لِف بقیه رسولون و برارون خداوند عیسی و پطرس، خار دینی که زونموئه پی خومون داشته بووم؟ ^۶ و آیا تینا مو و برنابا هِسَم که وا سی امرار معاش خومون کار گنم؟

^۷ کیه که پی خرج خودش سربوزی گنه؟ کیه که باغ انگیره پختار گنه و آمیوش نخوزه؟ کیه که گلیه چوپونی گنه و آشیر او گله ننوشه؟ ^۸ آیا ای قِصَم تینا قِصه انسانیه؟ آیا شریعت آم ایطو تم گووه؟ ^۹ سی یانکه م شریعت موسی اومسه که «دون گوویه که خرمن بکووه، مَبند.» آیا خدا م فکر گوونه؟ ^{۱۰} آیا یان درباره اُمون تم گووه؟ بله، بهیقین، ای کلوم سی اُمون نوشته بیسه، سی یانکه وختی گسه زمین شخم بَرَنه یا خرمن بکووه، وا اِمد داشته بووه که آ محصول بره بیرزه. ^{۱۱} آر اُمون بذر روحانی بن شُمون کاشتم، آیا امر گپته که محصول مادیه آ بن شُمون برداشت گنم؟ ^{۱۲} آر گسون دگه حق دارن که لحاظ مادی حمایتشون گنه، آیا اُمون بیشتر حق ندارم؟ اما اُمون آ ای حق بره

هَمَوطو که بعضيه آ هُنون ايطو کوردن و هلاک کُننده هلاکَشون کورد.

۱۱ ای امور لِف نمونه وَر هُنون واقع بیس و نوشته بیس تا عبرته بووه سی اُمون که م زَمونه زندی بگنیم که نهایت کُل اعصار تحقق پدا کورده. ۱۲ پ وانکه گمون بگنه م ایمون محکمه، هوشیار بووه که نلغزه و ن افته! ۱۳ شُمون آم لِف باقه مردم وسوسه ببووه و خدا امینه؛ او اجازه نم دهه بیشتر آ طاقتتون وسوسه بووه، بلکه پی هر وسوسه ره گروختنه آم فراهم بگنه تا تاب تحملش داشته بووه.

میمونی بتا و شوم خداوند

۱۴ پ ای عزیزون، آ بت پرستی دیری گنه. ۱۵ پی خردمندون قِصه بگنم؛ خوتون دربارِه او چی که بگووم قضاوت گنه. ۱۶ آیا جوم برکت که سی وان شکرگزاری بگنیم، شریک بیسن م خین مسیح نی؟ و آیا نونه که تیکه بگنیم، شریک بیسن م بدن مسیح نی؟ ۱۷ آ اونجون که نون یکیه، اُمون آم که زیادیم، به بدن هِسَم، سی یانکه کُل آ یه نون بَره بَرم. ۱۸ قوم یهوَد سیل گنه: آیا هُنون که آ قریونیا بخوردن م مذبح شریک نم بیسن؟ ۱۹ آیا منظورم یان که خوراک تقدیمی به بت چیه، یا یانکه بت چیه؟ ۲۰ نه، منظور یان که قریونیا بت پرستون تقدیم دِوون بیوون نه تقدیم خدا و مو نَحْم شُمون شریک دِوون بووه. ۲۱ تَره هم آ جوم خداوند نویسه هم آ جوم دِوون؛ تَره هم آ سفره خداوند بَره بَره، هم آ سفره دِوون. ۲۲ آیا مَخِم خشم خداوند به جوش آرم؟ آیا آ او تووناترم؟

حد و مرز آزودی م خوردن خوراک بتا

۲۳ «همه چی جایز» - اما همه چی مفید نی. «همه چی رواس» - اما همه چی سازنده نی.

۲۴ مَر ندونه که م مدون مسابقه، کُل دو بگنن، اما تِنا یکِه جایز بَره؟ پ شُمون اوطو دو گنه که بَره. ۲۵ هر که م مسابقا شرکت بگنه، م هر چی، تن به انضباط سخته بدهه. هُنون ايطو بگنن تا تاجِه فانی بدس آرن؛ اما اُمون ايطو بگنم تا تاجِه غِر فانی بدس آرم. ۲۶ پ مو ايطو دو بگنم، نه لِف گسه که هدف نداره؛ و مشت بَرَم، نه لِف گسه که م هوا مشت بَرَه؛ ۲۷ بلکه تن خومه سختی بدووام و م بندگی خودم بهلمش، مبدا بعد آ موعظه به گسون دگه، خودم رد بووم.

درس عبرت آ بت پرستی قوم یهود

۱۰ ای برارون، نَحْم آ ای موضوع غافل بووه که بوون اُمون کُل زر آور بیدن و کُل آ بِن دریا گذشتن. ۲ هُنون کُل م آور و م دریا م اتحاد پی موسی تعمید گروفتن و پی ای کار، نشون دان که موساَن پَروی بگنن. ۳ و کُل هَمو خوراک روحانی خوردن ۴ و هَمو نوشیدنی روحانی نوشیدن؛ سی یانکه آ او صخره روحانی بنوشیدن که آ دُماشون بمیومه و او صخره مسیح بید. ۵ پی ای وجود، خدا آ بیشتر هُنون شاد نبید، پ هُنون م بیابون هلاک بیسن.

۶ ایسون، ای وقایع انجوم بیسن تا نمونایه بوون سی اُمون، تا اُمون لِف هُنون دُما بدی نبووم. ۷ پ بت پرست نبووه، اوطو که بعضیه آ هُنون بیسن؛ هَموطو که نوشته بیسه: «قوم سی عِش و نوش نشسن و سی رخصیدن ورسیدن». ۸ اُمون نوا به بی عفتی دَس رَیم، هَموطو که بعضیه آ هُنون ايطو کوردن و م یه روز بیس و سو هزار تن هلاک بیسن. ۹ اُمون نوا مسیح امتحون گنیم، هَموطو که بعضیه آ هُنون ايطو کوردن و به وسیله مارون کُشته بیسن. ۱۰ شُمون نوا گله و شکایت گنه،

یا نبوت گَنه، سَر خوشه بی حرمت کورده؛ ای کار او لِف یان که سَر خوشه تروشیده بووه. ^۶ آر زونه سَر خوشه نَم پوشنه، پَ اصلا میاش کوتا گَنه؛ و آر سی زونه شرم آوره که میاش کوتا گَنه یا تراشه، پَ وَا سَر خوشه پوشنه. ^۷ پیا نوا سَر خوشه پوشنه، سی یانکه او صورت و جلال خداس؛ اما زونه، جلال پیاس. ^۸ سی یانکه پیا آر زونه به وجود نَ اومسه، بلکه زونه آ پیا به وجود اومسه؛ ^۹ و پیا سی زونه آفریده نبیسه، بلکه زونه سی پیا. ^{۱۰} سی هَمی یان و سی دل ملاکون، زونه وَا نشونه آ قدرت م سَر داشته بووه. ^{۱۱} پی ای وجود، م خداوند، نه زونه آ پیا بی نیازه، نه پیا آر زونه. ^{۱۲} هموطو که اولی زونه آ پیا به وجود اوقه، هموطو آم پیا به واسطه زونه به دنیا بمیا، اما به وجود آورنده همه چی خداس. ^{۱۳} خوتون قضاوت گَنه: آیا سی زونه شایسته که سَر نبوشیده به درگا خدا دعا گَنه؟ ^{۱۴} آیا امور طبیعی دنیا، خوشون به شُمون نَم اوموزه که آر پیا به می بُلند داشته بووه، سیش شرم آوره، ^{۱۵} اما آر زونه می بُلند داشته بووه، مایه افتخار اووه؟ سی یانکه می بُلند به عنوان پوشش به زونه دایه بیسه. ^{۱۶} اما آر گیه خاسه بووه سازه دِگه زَنه، وَا گووم که اُمون و همیطو کلیساها خدا ایطو رسمه ندارم.

شرکت ناشایسته م شوم خداوند

^{۱۷} ایسون م او چی که به شُمون حکم بگنم، اصلا تحسینتون نَم گنم، سی یانکه وختی شُمون دور هم گِرد ببووه، آ جا فایده سیتون ضرر دازه. ^{۱۸} اول یانکه بشنم اوسون که به عنوان کلیسا جمع ببووه، بِن شُمون جدویا اتفاق پَ افته و یان تا حله بورر بگنم. ^{۱۹} شکه نی که تفرقا آم وَا پنتون بووه تا ایطو هُنون که اصالتشون ثابت ببووه، بِن شُمون شناخته

^{۲۴} هیچ ک دُما نحف خودش نبووه، بلکه دُما نحف بقیه بووه. ^{۲۵} هر گوشتی که م قصوبی بفروشن، بی در نظر گروفتن وجدان خوره، ^{۲۶} سی یانکه «زمین و هر چی که م وان مال خداونده». ^{۲۷} آر شخص بی ایمونه شُمون سی غذا دعوت بگنه و شُمون آم تمایل داره رووه، هر چی نوهاتون وند بی در نظر گروفتن وجدان خوره، ^{۲۸} مَر یانکه گیه به شُمون گووه: «ای گوشت به بتا تقدیم بیسه». «تا درای صورت، سی دل گیه که یان به شُمون گفت و سی دل وجدان، آ وان مخوره - ^{۲۹} البته منظورم وجدان او شخصه نه وجدان شُمون. سی یانکه آچه وَا وجدان شخصه دِگه ور آزودی مو حکم گنه؟ ^{۳۰} آر خوراکِ پی شکرگزوری بخورم، آچه وَا سی دل او چی که خدان سی وان شکر گنم، محکومم گنن؟

^{۳۱} پَ هر چی بگنه، چه خوردن، چه نوشیدن و چه هر کار دِگه، کَل سی جلال خدا انجوم دِیه. ^{۳۲} هیچ گسه آ خوتون مرنجونه، چه یهودیون، چه یونانیون و چه کلیسا خدان، ^{۳۳} هموطو که مو آم سعی بگنم تا کَل هر طور که ترم خشنود گنم. سی یانکه دُما نحف خودم نیسم، بلکه دُما نحف خلیا هِسم، تا نجات پدا گنن. ^۱ آ مو سرمشق گیره، هموطو که مو آ مسیح سرمشق بگرم.

دعا و نبوت زنون م کلیسا

^۲ شُمون تحسین بگنم که م همه چی مون به یاد میاره و سنتان هَمو شکله که به شُمون سپوردَم، حفظ بگنه.

^۳ اما مَحَم آگا بووه که سَر هر پیا، مسیح و سَر زونه، مَرشه و سَر مسیح خداس. ^۴ هر پیا به که سَر پوشیده دعا یا نبوت گنه، سَر خوشه بی حرمت کورده. ^۵ و هر زونه سَر نبوشیده دعا

وَر اُمون حکم بگُنه، تَنبِه بپووم تا پی دنیا محکوم نبووم.
 ۳۳ پ ای برارونم، وختی سی خوردن شوم خداوند دور هم گرد ببووه، بندیر یکدو مَنه.
 ۳۴ آر گسه گسَنس، مِ خونه خودش غذا خوره تا گرد بیستون باعث محکومیتون نبووه. در مورد بقیه چیا آم وختی پیشتون اوَمم، دستورا لارُم بدوهام.

عطایا روح القدس

۱۲ ای برارون، اما در خصوص امور روحانی، نَحْم غافل بووه. ۲ دونه وختی که بت پرست بیده، به هر نحوه گمراه بیسه، به طرف بتا گنگه گشیده بیسه. ۳ پ به شُمون بگووم که هر ک به واسطه روح خدا قِصه گُنه، عیسان لعن تَم گُنه و هیچ ک نَره بی واسطه روح القدس گووه «عیسی خداونده.»

۴ آ، عطایا مختلفن، اما روح هَمو وان؛ ۵ خدمتا مختلفن، اما خداوند هَمو وان؛ ۶ عملا مختلفن، اما هَمو خداس که همه چیه مِ گُمون به عمل بمیازه.

۷ ظهور روح، به هر ک سی منفعت گُل دایه ببووه. ۸ به یکه به وسیله روح، کَوم حکمت دایه ببووه، به یکه دِگه به واسطه هَمو روح، کَوم معروف ۹ و به شخصه دِگه به واسطه هَمو روح، ایمون و به یکه دِگه آندو به واسطه هَمو روح، عطایا شفا داین. ۱۰ به شخصه دِگه قدرت انجوم معجزا دایه ببووه، به یکه نبوت و به یکه دِگه تشخیص داین ارواح و آندو به شخصه دِگه قِصه کوردن به انواع زیونا غِر بخشیده ببووه و به یکه دِگه ترجمه زیونا غِر.

بوون. ۲۰ زمونه که شُمون یه جا گرد ببووه، آروسی سی خوردن شوم خداوند نی. ۲۱ سی یانکه وخت خوردن غذا، هر کو آ شُمون بی یانکه بندیر بقیه بووه شوم خوشه بخوره، اوطو که یکه گسَنه بَمَنه، در حاله که یکه دِگه مس ببووه. ۲۲ آیا خونا سی خوردن و نوشیدن نداره؟ یا یانکه کلیسا خدانَ کوچوک حساب گُنه و اشخاص فقیر شرمونده بگُنه؟ به شُمون چه گووم؟ آیا سی ای کار تحسینتون گُنه؟ اصلا تحسینتون تَم گُنه.

۲۳ سی یانکه مو او چیه که به شُمون آم سَپوردُم آ خداوند دریافت کوردُم، که عیسی خداوند مِ شووه که اووه به دشمن تسلیم کوردن، نوَن گروفت ۲۴ و شکر کورده، تیگه کورد و فرمود: «یان بدن مو سی شُمون. یان به یاد مو به جا آره.» ۲۵ هَمیطو، بعد آ شوم، جوم گروفت و فرمود: «ای جوم، عهد جدیده مِ خین مو. هر ر که آ وان بنوشه، به یاد مو ایطو گُنه.» ۲۶ سی یانکه هر وخت ای نوَن خوره و آ ای جوم نوشه، مرگ خداوند اعلام بگُنه تا زمونه که آندو آیه.

۲۷ پ هر ک به طور ناشایسته نوَن خوره و آ جوم خداوند نوشه، نسبت به بدن و خین خداوند عیسی مرتکب گُنا بیسه. ۲۸ اما هر ک قبل آ وانکه آ نوَن خوره و آ جوم نوشه، خوشه امتحون گُنه. ۲۹ سی یانکه هر ک معنی و مفهوم بدن عیسی خداوند درک نگُنه و آ وان خوره و نوشه، پی خوردن و نوشیدنش خوشه محکوم کورده. ۳۰ سی هَمی یان که خلی آ شُمون ضعیف و مَرِض و خلیا آم مordنه. ۳۱ اما آر وَر خومون حکم بکوردُم، خدا وَر اُمون حکم تَم کورد. ۳۲ پ اوسون که خداوند

بدن نبوه، بلکه اعضاَش چَن یَک م فکر یَکدو بوون. ^{۲۶} و آَر یَه عضو دردمند بووه، کُل اعضا پی او همدرد بوون؛ و آَر یَه عضو سَر یَکدو بووه، کُل م خووشی او شریک بوون.

^{۲۷} ایطو، شُمون بدن مسیح هِسِه و هر کونتون عضوِه آ وانه. ^{۲۸} خدا م کلیسا، اول رسولون، دووم انبیا، سووم معلمون قرار دا؛ بعد قدرت معجزا، بعد عطایا شفا داین و امداد و مدیریت و قِصَه کوردن به انواع زبونا غِر. ^{۲۹} آیا کُل رسولن؟ آیا کُل نبین؟ آیا کُل معلمن؟ آیا کُل قدرت معجزه دارن؟ ^{۳۰} آیا کُل عطایا شفا داین دارن؟ آیا کُل به زبونا غِر قِصَه بَکِنن؟ آیا کُل ترجمه بَکِنن؟

^{۳۱} اما شُمون پی شوق زیاد دُما عطایا گفتر بایه و ایسون مو عالیترین طریق به شُمون نشون بدوهام.

اهمیت مُحَبَت کوردن

۱۳ آَر به زبونا آدمون و ملاکون قِصَه کُئِم، اما مُحَبَت نداشتَه بووم، لِیَف زنگه پُرسدا و سَنجِه پُرهیاهاو بیشتر نِشُم. ^۲ آَر قدرت نبوت داشتَه بووم و تَرسَه بووم کُل اسرار و معروفَتان درک کُئِم و آَر اوطو ایمون کامله داشتَه بووم که تَرسَه بووم گوهان جابه جا کُئِم، اما مُحَبَت نداشتَه بووم، هیچُم. ^۳ آَر کُل دارویی خومه بِن فقیرون تقسیم کُئِم و لار خومه به گِرگرا تَش سُپارُم، اما مُحَبَت نداشتَه بووم، سِیم هیچ فایده نداره.

^۴ مُحَبَت صبور و مِزبونه؛ مُحَبَت حسیدی تَم گَنه؛ مُحَبَت فخر تَم فروشه و کبر و غرور نداره. ^۵ رفتار ناشایسته نداره و دُما نحف خودش نی؛ زَیَرَه چَر نمیا و کینه م دل تَم گِره؛ ^۶ مُحَبَت آ بدی خوشحال تَم بووه، اما پی حَقِقت شودی بَکَنه. ^۷ مُحَبَت پی همه چی

^{۱۱} اما کُل هِنون هَمو یَه روح به عمل بمیازه و هُنون به اراده خودش تقسیم بَکَنه، به هر کَ ببخشَه.

بدن واحد، اما اعضا متعدد

^{۱۲} هر چَن بدن یکیه، اما آ اعضا زیادَه تشکیل بیسه؛ و کُل اعضا بدن، هر چَن زیادن، اما یَه بدن تشکیل بدین. در مورد مسیح آم همیطوزه. ^{۱۳} کُل اُمون، چه یهود و چه یونانی، چه غلوم و چه آزاد، آ یَه روح تعمید گروفتیم تا یَه بدن تشکیل دِهیم؛ و کُل اُمون آ یَه روح نوشیدمه. ^{۱۴} بدن نه آ یَه عضو، بلکه آ اعضا زیادَه تشکیل بیسه. ^{۱۵} آَر پا گووه، «سی یانکه دَس نِشُم، به بدن تعلق ندارُم،» یان باعث تَم بووه که عضوِه آ بدن نبوه. ^{۱۶} و آَر گوش گووه، «سی یانکه تیه نِشُم، به بدن تعلق ندارُم،» یان باعث تَم بووه که عضوِه آ بدن نبوه. ^{۱۷} آَر کُل بدن تیه بید، پَ چطو تَرسَه شَنفِه؟ و آَر کُل بدن گوش بید، چطو تَرسَه بو گِشه؟ ^{۱۸} اما حَقِقت یان که خدا اعضان اوطو که خودش مَحاس، یک به یک م بدن قرار دا. ^{۱۹} آَر کُل یَه عضو بیدن، بدن چطو به وجود بمیومه؟ ^{۲۰} اما اعضا زیادن، در حالِه که بدن یکیه. ^{۲۱} تیه نترَه به دَس گووه، «نیازه وَت ندارُم!» و سَر آم نترَه به پاها گووه، «نیازمند شُمون نِشُم!» ^{۲۲} برعکس، او اعضا بدن که ضعیفتر به نظر میان، خلی ضروریتَر. ^{۲۳} و او اعضا بدنمون که پستتر دَوْنَم، پی حرمت بیشتره بپوشیم و اعضاییه که خصوصین پِشون پی احترام خاصه رفتار بَکِنم؛ ^{۲۴} در حالِه که او اعضاییه که خصوصی نِسن به ایطو احترامیه نیاز ندارن. اما خدا بدن اوطو مرتب کوردَه که حرمت بیشتر نصیب اعضاییه بووه که فاقد وان، ^{۲۵} تا جدویی م

غِر قِصَه بگُئنه، مَر يانکه ترجمَه کُئنه تا باعث بنا کليسا بووه.

^۱ ايسون اي برارون، آر مو پيش شُمون آيم و پي زبونا غِر قِصَه کُئم، چه نحفه به شُمون بَرسوئم، مَر يانکه مکشفَه يا معروفَت يا نبوت يا تعليمه سيتون داشتَه بووم؟ ^۷ حتی سارا بي جونه لِف ني و چنگ آم آر صداها مشخص نديهن، چطو ببووه تشخص دا که چه آهنگه زِتَه ببووه؟ ^۸ آر شُپور صدا مشخصه نَدَهه، چه گيسه آماده جنگ ببووه؟ ^۹ در مورد شُمون آم هَميپوَرَه. آر پي زبون خوتون قِصايه کُئنه که قابل قَم نبوون، چطو گيسه قَمَه که چه بگووه؟ در اي صورت، لِف يان که پي هوا قِصَه کُئنه. ^{۱۰} بي شک م دنيا انواع زبونا وجود دارن، اما هيچ کونشون بي معنی ني. ^{۱۱} پ مو آر نَرسَه بووم معنی قِصا گيسه دگنه قَمم، پي او غرييم و او آم پي مو غرييس. ^{۱۲} در مورد شُمون آم هَميپوَرَه. آ اونجون که مشتاق امور روحاني هيسه، سعی کُئنه که م بنا کليسا ترقی کُئنه.

^{۱۳} سي هَمي يان، وانکه پي زبون غِر قِصَه بگُئنه وا دعا کُئنه تا قِصا خوشَه ترجمَه کُئنه. ^{۱۴} سي يانکه آر مو پي زبون غِر دعا کُئم، روحم دعا بگُئنه، اما عَقلم بَرَه نَم بَرَه. ^{۱۵} پ چه وا کُئم؟ پي روح دعا بگُئم و پي عقل آم دعا بگُئم؛ پي روح سرود بخوئم و پي عقل آم بخوئم. ^{۱۶} در غِر اي صورت، آر تو م روح به شکرگزوری مشغول بووی، چطو گيسه که زبونت نَم قَمه به شکرگزوری تو آمين گووه؟ سي دل يانکه ندونه چه بگووی! ^{۱۷} دُرسَه تو آروسی خوب شکر بگئی، اما شکر تو باعث بنا گيسه دگه نَم بووه. ^{۱۸} خدانَ شکر بگُئم که بيشتر آ کُل شُمون پي زبونا غِر قِصَه بگُئم؛ ^{۱۹} اما م کليسا

مدارا بگُئنه، هي ايمون دارَه، هي اِمدواَرَه و م همه حال استقامت بگُئنه.

^۸ مُحَبَت هيچ وخت تموم نَم بووه. اما نبوتا آ بين بروون و زبونا تموم ببوون و معروفَت نابود ببووه. ^۹ سي يانکه معروفَت اُمون جزئيه و نبوتمون آم جزئی؛ ^{۱۰} اما وختی کامل آيه، جزئی آ بين برووه. ^{۱۱} او زمونه که بچه بيشتر نَبِيدُم، لِف بچون قِصَه بکورْدُم و لِف بچون فکر بکورْدُم و هَميپو لِف بچون دليل بميورْدُم. اما وختی گپ بيسم، دگه لِف بچون رفتار نکورْدُم. ^{۱۲} اي چپايه که ايسون ببينم، لِف تصویره محو م آيس؛ اما زمونه بَرَسَه که آ ري به ري ببينم. ايسون شناخت مو جزئيه؛ اما زمونه بَرَسَه که به کمال پ اِشناسُم، هَموِطو که به کمال آم شناخته بيشمه.

^{۱۳} و ايسون، اي سو چي بوقی بَمَنَه: ايمون، اِمد و مُحَبَت. اما گفتريشون مُحَبَتَه.

لِزوم استفاده آ زبون قابل قَم م عبادت جمعی

۱۴ طريق مُحَبَت پزوی کُئنه و پي شوق زياد دُما امور روحاني بووه، بخصوص يانکه نبوت کُئنه. ^۲ سي يانکه گيسه که پي زبون غِر قِصَه بگُئنه، نه پي آدمون بلکه پي خدا قِصَه بگُئنه. چو هيچ ک قِصَش درک نَم کُئنه؛ او به واسطه روح، رازانَ بگووه. ^۳ اما وانکه نبوت بگُئنه، پي آدمون سي بنا، تشوق و تسليشون قِصَه بگُئنه. ^۴ وانکه پي زبون غِر قِصَه بگُئنه خوشَه بنا بگُئنه، اما وانکه نبوت بگُئنه باعث بنا کليسا ببووه. ^۵ آرزو مو يان که کُل شُمون پي زبونا غِر قِصَه کُئنه، اما بيشتر مَحْم که نبوت کُئنه. وانکه نبوت بگُئنه، گفترَه آ وانکه پي زبونا

۲۹ و آ انبیا، دو یا سو تاشون نبوت گُڤن و بقیّه قِصاشون سنجن. ۳۰ و آر گسه دگه که اونجون نشسَس مکاشفَه دریافت گُڤن، نفر اول ساکت مَنه. ۳۱ سی یانکه کُل تَره به نوبت نبوت گُڤن تا کُل تعلیم گِرَن و کُل تشوِق بوون. ۳۲ روح انبیا مطیع انبیاس. ۳۳ سی یانکه خدا، نه خدا بی‌نظمی، بلکه خدا صلح و آرامشَه، هموطو که م کُل کلیساها مقدسین ایطوره.

۳۴ زنون وا م کلیسا ساکت مَنن. هُنون مجاز به قِصَه کوردن یسن، بلکه وا هموطو که شریعت بگووَه، مطیع بوون. ۳۵ آر دربارَه مطلبه سؤاله دارن، آ مِرِه خوشون م خونه پرسن؛ سی یانکه سی زونه خوب بی م کلیسا قِصَه گُڤن.

۳۶ آیا کوم خدا آ شُمون سرچشمه گروفتَه یا تِنّا به شُمون رَسیده؟ ۳۷ آر گسه خوشه نبی یا شخصه روحانی دونه، تصدیق گُڤن که او چیه که سی شُمون بنوسُم فرمونیه آ جانوب خدا. ۳۸ آر گسه یانَ نپذیره، خودش آم پذیرفته نَم بووه.

۳۹ پ ای برارون مو، پی شوق زیاد دُما نبوت کوردن بووه و قِصَه کوردن به زبونا غِر منع مَکینه. ۴۰ اما همه چی وا به شایستگی و پی نظم و ترتیب انجوم بووه.

رستاخیز مسیح

۱۵ ای برارون، ایسون مَحْم خبر خووش انجیلیه که به شُمون دام یادتون آرم، همو انجیل که قبولش کورده و وش پابنده ۲ و به وسیله وان نجات پدا بگُڤن، به شرط یانکه خبر خووش کلومیته که به شُمون دام، محکم حفظ گُڤن. در غِر ای صورت، بی‌فایده ایمون اُوردیه.

ترجیح بدوهم پن کلمه پی عَقْلَم قِصَه گُڤن که بقیّه تعلیم دایه بووم، تا یانکه هزارون کلمه به زبونا غِر گووُم.

۲۰ ای برارون، م درک و قَم بچَه نبووه، بلکه م بدی کوردن بچَه بووه. برعکس، م درک و قَم بالغ بووه. ۲۱ م شریعت ایطو نوشتَه بیسه: «خداوند ایطو بگووَه،

”پی زبونا غریب

و پی لووا غریبون

پی ای قوم قِصَه بگُڤن.

پی ای وجود به مو گوش نَم دِهِن.”»

۲۲ پ زبونا غِر، نشونیه نه در مورد ایموندارون بلکه در مورد بی‌ایمونون؛ اما نبوت نشونیه در مورد ایموندارون و نه بی‌ایمونون. ۲۳ پ، آر کُل اعضا کلیسا گرد بوون و کُل به زبونا غِر قِصَه گُڤن و هموسون اشخاص ناآگا یا بی‌ایمون به مجلس آین، آیا نَم گوون که شُمون لوه؟ ۲۴ اما آر شخص بی‌ایمون یا ناآگا یکتَه م زمونه که کُل دارن نبوت بگُڤن به مجلس آیه، آ سمت کُل مجاب ببووه که گناکارَه و مورد قضاوت کُل قرار گروفتَه، ۲۵ رازا دلش ری ببوون. اوسون ریش سر زمین بوئه، خدانَ پرستش بگُڤن و تصدیق بگُڤن که: «به‌یقین خدا یَن شُمون.»

لازِمه نظم و ترتیب م عبادت جمعی

۲۶ پ منظور چیه، ای برارون؟ وختی که پی یک گرد بووه، هر ک سروده، تعلیمه، مکاشفَه، زبونه و یا ترجمه دازه. هُنون کُل وا سی بنا کلیسا به کار روون. ۲۷ آر گسه پی زبونا غِر قِصَه گُڤن، دو یا نهایتا سو نفر، وان آم به نوبت قِصَه گُڤن و یکه آم ترجمه گُڤن. ۲۸ اما آر مترجمه نبووه، او وا م کلیسا ساکت مَنه و م دلش پی خدا قِصَه گُڤن.

شُمون باطله و شُمون هَنی مِ گُناها خوتون هسه.^{۱۸} و او ايموندارون به مسيح كه موردنه، هلاك بيسنه.^{۱۹} آر تِنا مِ اى زندى به مسيح ايمد دارم، اُمون آ كَل آدمون دنيا بدبختيم.

^{۲۰} اما مسيح اُروسي آ موردون ورسيدَه و نوبر موردون بيسه.^{۲۱} سى يانكه هموطو كه مرگ آ طريق يه انسان اومه، رستاخيز موردون آم آ طريق يه انسان به وجود اومه.^{۲۲} هموطو كه سى دل يكه بيسن پي آدم گُل ميرن، مِ مسيح آم گُل زنده ببون.^{۲۳} اما هر كَ به نوبه خودش: اول مسيح كه نوبر بيد؛ و بعد، وخت اومين او، هُنون كه متعلق به اوون.^{۲۴} بعد آخر دنيا برسه، يعنه اوسون كه بعد آ نابود كوردن هر رياست و قدرت و نبروه، پادشوهي به خداى بووه سُبازه.^{۲۵} سى يانكه او وا تا زمونه كه پا سَر گُل دشمنونش وَنه، حكمرانى گُته.^{۲۶} دشمن آخر كه وا آ پِن رووه، مرگه.^{۲۷} سى يانكه خدا «همه چيه زِر پاها او وَند.» اما وختي گُفته ببووه «همه چي» زِر پاها او وَندَه بيس، روشنه كه يان خود خداَن كه همه چيه زِر پاها مسيح وَند، شامل تَم بووه.^{۲۸} وختي كه همه چي مطيع او بيس، خود كووك آم مطيع او گسه ببووه كه همه چيه زِر پاهاش وَند، تا خدا گُل مِ گُل بووه.

^{۲۹} آر موردون تَم ورسن، هُنون كه به نيابت آزشون تعميد بگرن، چه گُين؟ آر موردون تَم ورسن، آچه مردم به نيابت آزشون تعميد بگرن؟^{۳۰} و يا آچه اُمون هر ساعت جون خوموته مِ خطر ببوم؟^{۳۱} اى برارونم، به فخره كه مِ خداوندون مسيح عيسى در مورد شُمون دارم قسم كه مو هر روز به كام مرگ برووم.^{۳۲} آر جنگ مو پي مردم سَر اِفَسَس كه لِف جِوونا درندن تِنا سى دل دليلا بشرى بيده، چه سوده آ وان بوردمه؟ آر موردون تَم ورسن،

^۳ سى يانكه مو او چيه كه وُرم رسيدَه، لِف مهمترين مطلب به شُمون سُپوردُم: يانكه مسيح مطابق پي كتابا مقدس مِ ره گُناها اُمون مورد،^۴ و دفن بيس و يانكه مطابق پي همي كتابا مِ روز سووم زنده بيس،^۵ بعد آ وان خوشه وِر پَطُرس و بعد وِر او دُره خوورى ظاهر كورد.^۶ بعد آ وان، يه ر وِر بيشتر آ پونصد نفر آ برارون ظاهر بيس كه خلى آ هُنون هَنى زندن، هر چن عِدشون موردنه.^۷ بعدش وِر يعقوب ظاهر بيس و بعد وِر گُل رسولون^۸ و آخر سَر، خوشه وِر مو كه نوها هُنون لِف طفل نارسه بيدم، ظاهر كورد.

^۹ سى يانكه مو پِن رسولون كمترينشونم و حتى شايسته نِسَم رسول بونگم گُين، سى يانكه كليسا خداَن آزار برسوندُم.^{۱۰} اما سى دل فِض خداس كه رسولم و فِض او نسبت به مو بى ثمر نَبيده. برعكس، مو آ گُل هُنون سخت تر كار كوردُم، اما نه خودُم، بلكه او فِض خدا كه پي مون.^{۱۱} به هر حال، چه مو چه هُنون، همي پيوم موعظه بگُينم و همي يان پيوميه كه وش ايمون آورده.

رستاخيز موردون

^{۱۲} اما آر موعظه ببووه كه مسيح آ موردون ورسيد، چطوزه كه بعضه آ شُمون بگوه سى موردون رستاخيزه ني؟^{۱۳} آر موردون تَم ورسن، پ مسيح آم نورسيده.^{۱۴} و آر مسيح نورسيده، هم موعظه اُمون باطله، هم ايمون شُمون.^{۱۵} به علاوه، سى خدا شاهدون دُرو به حساب ميَايم، سى يانكه درباره او شوهادت دايمه كه مسيح آ موردون ورسونيد، در حاله كه آر موردون تَم ورسن، پ خدا اووه نورسونيده.^{۱۶} سى يانكه آر موردون تَم ورسن، پ مسيح آم نورسيده.^{۱۷} و آر مسيح نورسيده، ايمون

«بیاپه خورم و نوشم

سی یانکه صوبا بمیرم.»

۳۳ فربم مځوره: «دوس بد، اخلاق خوب فاسد بگننه.» ۳۴ سر عقل بیاپه و ډگه گنا مگننه؛ سی یانکه گسونه هسن که خدان نم اشناسن. یان بگووم تا شرمونده بووه.

بدن فسادناپذیر

۳۵ اما شاید گسه پرسه: «موردون چطو بورس و پی چه نوع بدنه بمیان؟» ۳۶ چه سوال ابلهونه! هر چی که بکوری، تا نیمزه زنده نم بووه. ۳۷ وختی که چی بکوری، کالبدی که بعدا ظاهر ببووه نم کوری، بلکه تینا دوتنه بکوری، چه گنوم بووه چه دونا ډگه. ۳۸ اما خدا کالبدی که خودش تعیین کورده، به وان ببخشه و هر نوع دوتنه کالبد مخصوصه وش عطا بگننه. ۳۹ گل جسمایکه نسن. آدمون یه نوع جسم هی، جوونان نوعه ډگه و باهندون نوعه ډگه؛ موهیون آم نوعه ډگه آ جسم دارن. ۴۰ همیطو، کالبد آسمونی وجود دازه و کالبد زمینی. اما جلال کالبد آسمونی آ یه نوعه و جلال کالبد زمینی آ نوعه ډگه. ۴۱ عفتو جلال خاص خوشه دازه، ما جلاله ډگه و ستارا آم جلاله ډگه؛ جلال هر ستاره آم پی جلال ستاره ډگه فرق دازه.

۴۲ در مورد ورسیدن موردون آم همیطوره. او چی که کاشته ببووه، فسادپذیره؛ او چی که بورس، فسادناپذیر. ۴۳ م ذلت کاشته ببووه، م جلال بورس. م ضعف کاشته ببووه، م قووت بورس. ۴۴ بدن جسمانی کاشته ببووه،

بدن روحانی بورس. آر بدن جسمانی وجود دازه، بدن روحانی آم وجود دازه. ۴۵ هموطو که م تورات نوشته بیسه: «انسان اول، یعنیه آدم، موجوده زنده بیس؛» آدم آخر، روح حیات بخش بیس. ۴۶ اما روحانی اول ن اومه بلکه جسمانی اومه و بعد آ وان روحانی. ۴۷ انسان اول آ زمینه و خوکی؛ انسان دووم آ آسمون. ۴۸ هر چی که انسان خوکی واجد وان بید، م خوکیا آم وجود دازه؛ و هر چی که انسان آسمونی دازه، م آسمونیا آم پدا ببووه. ۴۹ هموطو که شکل انسان خوکی به خومون گروفتیم، شکل انسان آسمونی آم به خومون بگرم.

۵۰ ای برارون، منظورم یان که جسم و خین نترن وارث پادشوی خدا بوون و هر چی فسادپذیره، وارث فسادناپذیر نتره بووه. ۵۱ گوش ډهه! رازی به شمون بگووم: امون گل نم میرم، بلکه گل دگرگون ببووم. ۵۲ م دمه و م تیه سر یک وندینه، اوسون که شپور آخر زیه بووه، ای واقعه انجوم بگره. سی یانکه شپور به صدا بډرا و موردون م فسادناپذیری بورس و امون دگرگون ببووم. ۵۳ سی یانکه ای بدن فسادپذیر و فسادناپذیری پوشه و ای بدن فانی و به بقا آراسته بووه. ۵۴ وختی ای فسادپذیر، فسادناپذیری پوشید و ای فانی به بقا آراسته بیس، اوسون او کوم مکتوب م کتاب اشعیا نبی به حقیقت برسه که بگووه:

«پیروزی مرگ ملقنیده.»

۵۵ «ای گور، پیروزی تو کجاس؟

و ای مرگ، نیش تو کجا؟»

انجوم کار خداوند مشغوله؛^{۱۱} پ گسه به تيه حقيره سيلش نَگته. اووه به سلومتي روهي سفر گنه تا پيش مو ورگرده؛ سي يانکه مونو برارون بندير اووم.

^{۱۲} در مورد برار اُمون آپولس، اووه خلی تشوق کوردم که پي بقیه برارون پيش شُمون آيه، اما اصلا رضا ندا که ايسون آيه. اما هر وخت فرصت داش، بميايه.

^{۱۳} هوشيار بايه؛ م ايمون محکم مَيه؛ قوی و شجاع بووه. ^{۱۴} هيله گل کاراتون پي مُحبت بوون.

^{۱۵} دونه که خونواده استيفاناس اولی گسونه بيدن که م ايلات آخائيه ايمون آوردن و هُنون خوشونه وقف خدمت به مقدسين کورده. ای برارون، آ شُمون تمنا دارم ^{۱۶} مطيع ايطو گسونه بووه و هميطو مطيع هر گسه دگه که م ای خدمت همکوری بگنه و سخت کار گنه. ^{۱۷} آ اومين استيفاناس، فورتوناتوس و آخائيکوس شادم، سي يانکه جا خولی شُمون پُر کورده. ^{۱۸} هُنون روح مون و هميطو روح شُمون تازه کوردن. قدر زحمتا ايطو اشخاص دونه بايه.

سلاما و درودا

^{۱۹} کلیساها آسیا سيتون سلام بفرسن. آکیلا و پريسکیلا و هميطو کلیسايه که م خوتشون تشکیل ببووه، وَر شُمون م خداوند سلام گرم برسون. ^{۲۰} گل برارونه که اينجونن وَر شُمون سلام برسونن. پی بوسيه مقدس يکدوه سلام گووه.

^{۲۱} مو، پولس، پی خط خودم ای سلام سی شُمون بنوسم.

^{۲۲} گسه که خداوند دوس ندازه، ملعون با. ای خداوند اُمون، بيو!

^{۵۶} نيش مرگ گناس و نیرو گنا، شریعت. ^{۵۷} اما شکر خدان که به واسطه خداوندمون عیسی مسیح به اُمون پیروزی ببخشه.

^{۵۸} پ، برارون عزیزم، محکم و ثابت مَيه، هی پی گل وجودتون به کار خداوند مشغول بووه، سی يانکه دونه زحمت شُمون م خداوند بی فايده نی.

جمع کوردن هديا سی قوم خدا

۱۶ اما در خصوص جمع کوردن هديا سی مقدسين: شُمون آم او چيه که به کلیساها غلاطيه گفتمَه، انجوم ديه. ^۲ روز اول هر هفته، هر کو آ شُمون نسبت به درامد خودش پيله کنار وَنه، پس انداز گنه، تا وختی که پيشتون بميام، لزومه نداشته بووه هديا جمع گنه. ^۳ وختی اوَم، به گسونه که مورد قبول شُمونن معرفي نومايه بدوهام و هُنون پی هديا شُمون به اورشليم بفرسَم. ^۴ آر صلاح بيد که خودم آم رووم، اوسون پشون برووم.

درخاسا شخصی

^۵ بعد آ يانکه آ منطقه مقدونيه گذشتم پيش شُمون بميام، سی يانکه آ مقدونيه بگذردم. ^۶ شايد مدته پيشتون مَم و یا حتی گل زمسون پتون مَم، تا ايطو مون م سفرم به هر جا که بووه، کمک کورده، بدرقه گنه. ^۷ سی يانکه نَحَم ايسون به دیدنتون آيم و تِنا مدت کيمه پيشتون بووم؛ بلکه ايمد دارم، آر خداوند اجازه دهه، مدتيه پيش شُمون مَم. ^۸ اما تا عِد پنتیکاست م افسس بمَم ^۹ سی يانکه در گيه سی خدمت مؤثر به ريم گوشسته و مخالفون آم زيادن.

^{۱۰} آر تیموتائوس پيش شُمون اوَمه، پی گرمی پيش رفتار گنه. سی يانکه او آم لِف مو به

۲۴ مُحَبَّتِ مَوِّمِ مَسِيحِ عِيسِي پِي گُل شُمون
با. آمين.

۲۳ فِضِ خِداوندِ عِيسِي پَتون با.

